

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۳۲ هـ.ق - میقات محرم)

۲۲ آذر ۸۹

خطبه‌ی شب هفتم

حمد و سپاس و ستایش سزاوار خداوند سبحان است که رحمتش فریادرس گناه‌کاران، احسانش پناه دهنده‌ی درماندگان، آرام دل وحشت‌زدگان و گشایش دهنده‌ی غم‌دیدگان است. عفو و بخشش او از کیفرش والاتر و مهرش بر غضبش پیشی می‌گیرد. در مجازات معصیت‌کاران زیاده‌روی نمی‌کند. نیست معبودی جز او، پاک و منزّه است.

سلام بر مخلوقاتی که آمدنشان باعث نشاط زمان بود و رفتنشان موجب دلگیری آن و برکات الهی همواره بر کسانی باد که از حریم دین پاسداری و در هدایت مردمان کوشش می‌کنند و هم‌چنین سلام بر دقایقی که منتظرند تا جان گیرند و از خوابی سخت و سنگین برخیزند و طراوت یابند و آنانی را که با خود همراه داشتند، منتظران حق را، سلامت و حیاتی واقعی بخشند.

به یاری خدا خطبه‌ی امشب را گوش می‌کنیم که با تفکر و اندیشه در متن آن به واقعیت‌ها و باورهای اشتباه خود پی ببریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب هفتم

آیندگان همواره در احوال گذشتگان تحقیق و بررسی می‌کنند. دانشمندان به دنبال آثاری هستند تا تاریخ را با آن ثابت کنند. هرگاه استخوانی پوسیده را پیدا می‌کنند، با شادمانی برای یقین قدمتش می‌کوشند و وقتی اعلام می‌کنند متعلق به قبل از میلاد مسیح است آن را در موزه نگه‌داری و مراقبت‌های شدیدی از او به عمل می‌آورند. آیا علاقه به یافتن آثار تاریخی فقط جنبه‌ی علمی دارد و یا نوعی وابستگی به زمان است؟ البته جنبه‌ی علمی‌اش برای فهم زمان لازمه است پس عده‌ی خیلی به قلب کوه‌ها و دشت‌ها برای یافتن می‌روند و آثارشان را برای کثرت مردم به‌عنوان تاریخ باقی

می‌گذارند و همگان با شواهدی که زحمت زیادی برایش کشیده شده آن را می‌پذیرند. قرآن کریم در احوال روحی گذشتگان در پذیرش فطرتشان بدون اینکه کسی به زحمت بیفتد و در کوه‌ها و دشت‌ها آواره شود صحبت می‌نماید، اخبار و عملکردها را به‌عنوان عبرت بیان می‌فرماید، کشتی نجات نوح (س) را می‌سازد و یقین‌ها به غیب را مورد آزمایش قرار می‌دهد، در بیابان دور از دریا سفینه النجاة را شروع به ساختن می‌کند، دیده‌ها به آن می‌نگرد، فکرها آن را نمی‌پذیرد، از عقل ظاهری به دور است، چگونه کشتی غول آسایی را به کنار دریا می‌شود برد؟ نگاه‌های ناباورانه هر روز شاهد آماده شدن کشتی در دریای فرضی است، ولی عده‌ای با یقین به پیامبر و راست‌گویی او عقل و دلایلش را رها می‌کنند و به بازوی حق مدد می‌رسانند تا بتواند مأموریتش را به انجام برساند و نجات یافتگانِ باورهای غیب سوار همان کشتی کند که برایش در زحمت افتادند. نهضت کربلا از زمان حرکتش کشتی بود که باورهای نجات را با خود همراه نمود، آنان را به دیدار کعبه‌ی مکرمه برد و در آنجا طواف را آموخت و سپس آماده‌ی جهادی کرد که باید قلب زمان را بشکافت و در آن خود را جاودان کند، پس یاران و فرزندان و همراهان را جمع می‌کند می‌فرماید: من از شما بهتر ندیدم چون وقتی سوار کشتی شدند آن را با فکر و اندیشه پذیرفته بودند و عقلشان آنان را نهیب می‌زد که طبق وعده‌ی الهی پیروزی با حق است پس منتظر آن بودند، وقتی لب‌های ابا عبدالله (س) به سخن درآمد که اگر بمانید نصیبتان کشته شدن است و به یغما رفتن مالتان، به اسیری رفتن زنان و کودکان، یقین‌ها متزلزل شد زندگی چهره‌ی خود را تغییر داد، عمرها برای صاحبانش ارزش پیدا کرد پس باورهای یقین را از پشتشان برداشتند و به‌طرف همان تکرارهای همیشگی کوچ کردند، از کنار حق فاصله گرفتند و زمان که شاهد حق است و نمایانگر باطل، چهره‌ی آن‌ها را در قلب خود ثبت نمود نه به‌عنوان بیعت شکنان بلکه به‌عنوان یارانی که با شنیدن وظیفه‌ی سنگین دفاع از دینشان به‌طرف دنیا گریختند.

کربلایان کوچ کردند تا زمان را متوقف کنند و با هر ثانیه از عمرشان گویای عزتی باشند که هم اکنون ما برای عزتشان دست نیاز دراز نموده‌ایم و با تمنا تقاضا می‌کنیم، ما را در آزمایش ایمان مدد کنند تا صدای سامری را در بطن جانمان بکشیم و هرگز

پیمان با حق را فراموش ننماییم، اگر منتظر حق هستیم باید با شمشیری آماده، مراقب باطل‌ها باشیم و مانند هارون به دامن پروردگاران پناه ببریم و از گوساله سازان نفس جدا شویم، سختی راه را بپذیریم تا بتوانیم در پیشگاه پروردگاران به دعا و نیاز خواهان نجاتی باشیم که حقیقت عاشوراییان را در وجودمان تداعی کند.

اکنون زمان در روحمان تصویر عاشوراییان را با نزدیک شدن زمان شهادتشان تداعی می‌کند و ما شیون‌کنان به یاد فرزندان خاندان نبوت بر سر و سینه می‌کوبیم، نامشان را ذکر جامان و سرچشمه‌ی سرسبیل‌مان قرار می‌دهیم و با حقیقت جهادشان زما‌مان را به اتمام می‌رسانیم و باز منتظر لطف حق می‌شویم. آیا باز باید منتظر ده روزی دیگر باشیم و یا نامه‌ی انتظارمان امضا خواهد شد و ما را از هجران‌های زمان انتظار به وصلی مبارک مزده خواهد داد؟

ای حقیقت طلبان کوی یار آب ننوشید، زخم‌ها را مداوا نکنید و سینه‌ها را آماج تیرها قرار بدهید، بدن‌ها را از رنج ایام تکه‌تکه کنید، بگذارید غم‌های هجران سرهای ما را از بدن جدا کند، ولی دمی سر را به دامن حسین (ع) بگذاریم تا دست نوازشگرش ما را در تحمل زمان دوری از محبوبمان یاری کند، مولایمان از طور غیبت بازآید و به رخسارهای رنج کشیده‌مان بنگرد که از فرط دوری یوسف زهرا (س) دیگر توان از دست داده است، محرم را در بی‌قراری‌اش برای ظهور دوست دارد، با لحظاته‌ش می‌گیرد، با زخم‌های قهرمانانش به زخم زمانش پیوند می‌خورد و از جهل باورهایش به دامن حقیقت چنگ می‌زند تا آفتاب حق از پشت نیرنگ‌های باطل به درآید و عاشقانش را در دامن محبتش به‌طرف پروردگار کریم رهنمون شود. پس همگی با صدایی که تپش هفتمین شب از محرم را در خود داشته باشد فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

در مورد جمله‌ی آب ننوشید باید گفت که این جمله کنایه است به جنگ طالوت با جالوت که در آیه‌ی ۲۴۶ سوره‌ی بقره آمده که طالوت به امر خداوند برای امتحان

اطاعت و یقین لشکریان خود که از بیابانی گذشته به رودی رسیده بودند گفت هر کسی آب بنوشد نمی‌تواند با ما همراه شود. آن‌هایی که اطاعت کردند با او همراه شده بقیه ماندند و این کنایه به آن‌هایی است که از دستورات امام خود بی‌چون و چرا اطاعت می‌کنند.

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com